# **بسم الله الرحمن الرحیم**

# **سوالاتی در مورد آدم و انسان**

#### **انسان چه موجودي است و به چه چيزي انسان گفته مي شود**

#### **آيا به هر موجودي به شکل و شمايل ما، انسان گفته مي شود؟**

#### **آيا انسان همان حيوان ناطق است؟**

##### **حکماء در تعريف انسان به حيوان ناطق تعبير کرده اند (نيايش فيلسوف - دکتر ديناني ص 147)**

#### **آیا انسان همان است که فکر می کند؟**

####  **آيا انسان روحي است که جسم به آن تعلق گرفته است؟**

#### **آيا انسان جسمي است که روح به آن تعلق گرفته است؟**

####  **آيا هر کسي که شخصيت خاصي داشته باشد، انسان ناميده مي شود؟**

#### **انسان چه جنبه ها و چه ابعادی و چه مقدوراتي دارد؟**

#### **به عبارت دیگر خداوند چه ابعادي را در انسان قرار داده و به لحاظ هر بُعد، چه مقدوراتي براي انسان وجود دارد؟**

#### **انسان دقیقا يعني چه؟**

#### **اصل انسان کدامیک از این ابعاد است؟ یعنی انسانیت انسان به کدام وجه یا کدام بعد اوست؟**

#### **آن بعدی از انسان که ابعاد دیگر را تحت الشعاع خود قرار میدهد کدام است؟**

#### **فرض کنيد که شما و ترام‍‍‍‍پ در کنار هم قرار مي گيريد، کدام يکي انسان هستيد؟ آيا هر دوي شما انسان هستيد؟ آيا شما انسان هستيد و ايشان انسان نيست؟ و يا ماجرا به صورت ديگري است؟**

#### **چه تعريفي براي انسان داشته باشيم؟**

**یک مثال زیبا: حشرات مختلف در ابتداي تولدشان به شکل کرمهايي با رنگهاي مختلف هستند، شما نمي تواني به همه اين کرمها، کرم ابريشم بگو‏يي و يا نمي تواني به همه آنها کرم خاکي بگويي ولو اينکه همه اينها در هيأت کرم هستند ولي جنسيتشان با هم فرق دارد. به ظاهر آنها نگاه نکن، چند روزي صبر کن، مشخص مي شود که شخصيت اصلي هرکدام از آنها چيست. آن کرمي که اصلش حشرة ابريشم است، و يا آن کرمي که اصلش خاکي بودن است، شخصيت اصلي خودش يعني کرم خاکي بودن را نشان خواهد داد.**

# **نظر علما و دانشمندان (معرفی کتب و مقالات)**

## **در مورد آدم ع تعداد کتب و مستندات زیادی که مستند به قرآن باشد وجود ندارد**

#### **در سایت lib.ir حدود 3000 کتاب با عنوان شامل واژه آدم ع وجود دارد. ولی این 3000 عنوان مربوط به تمام دیتاهای موجود شامل پرسش و پاسخ هاست. وگرنه در اصل حدود 15 کتاب با عنوان مستقیم آدم ع موجود است که برخی از آنها نیز صرفا داستان زندگی آدم ع است. بقیه کتابها که عنوان مربوطه را دارند در اغلب موارد داستانهای کودکان و نوجوانان هستند. علاوه بر این 15 جلد کتاب، 21 عنوان در مورد تاریخ انبیاء ع است که در آنها در مورد حضرت آدم ع هم صحبت شده است.**

#### **پایان نامه: جمعا 3 پایان نامه در مورد زندگی و هبوط آدم ع وجود دارد.**

# **قرآن آدم ع را چگونه معرفی می کند؟**

## **روش شناسی: انواع روش های در قبال قرآن**

**نکته بسیار مهم: باید روش ها را از خود قرآن بگیریم. روش ها و رفتارهای من درآوردی نداشته باشیم**

### **تدبر و مفهوم آن**

#### **جمع آوری کلیه آیات با ریشه لغوی تدبر: ریشه تدبر واژه دبر است. لذا برای فهم مفهوم تدبر کلیه آیات با این ریشه را از قرآن استخراج نموده و دسته بندی می کنیم. در این جستجو جمعا 44 آیه بدست می آید که همه آنها در ادامه آمده است.**

1. **[آل‌عمران۱۱۱] ص۶۴ ـ لَنْ یَضُرُّوکُمْ إِلاّ أَذًی وَ إِنْ یُقاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمُ اْلأَدْبارَ ثُمَّ لا یُنْصَرُونَ جز آزاری [اندک‏] هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید؛ و اگر با شما بجنگند، به شما پشت نمایند، سپس یاری نیابند.**
2. **[نساء۴۷] ص۸۶ ـ یا أَیُّهَا الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقًا لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَما لَعَنّا أَصْحابَ السَّبْتِ وَ کانَ أَمْرُ اللّهِ مَفْعُولاً ای کسانی که به شما کتاب داده شده است‏، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق‏کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره‏هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم‏؛ یا همچنانکه «اصحاب سبت‏» را لعنت کردیم‏؛ آنان را [نیز] لعنت کنیم‏، و فرمان خدا همواره تحقق یافته است‏.**
3. **[نساء۸۲] ص۹۱ ـ أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللّهِ لَوَجَدُوا فیهِ اخْتِلافًا کَثیرًا آیا در [معانی‏] قرآن نمی‏اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‏یافتند.**
4. **[مائده۲۱] ص۱۱۱ ـ یا قَوْمِ ادْخُلُوا اْلأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتی کَتَبَ اللّهُ لَکُمْ وَ لا تَرْتَدُّوا عَلی أَدْبارِکُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرینَ «ای قوم من‏، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است درآیید، و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد».**
5. **[انعام۴۵] ص۱۳۳ ـ فَقُطِعَ دابِرُ الْقَوْمِ الَّذینَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است‏.**
6. **[اعراف۷۲] ص۱۵۹ ـ فَأَنْجَیْناهُ وَ الَّذینَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنّا وَ قَطَعْنا دابِرَ الَّذینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا وَ ما کانُوا مُؤْمِنینَ پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رهانیدیم‏؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه‏کن کردیم‏.**
7. **[انفال۷] ص۱۷۷ ـ وَ إِذْ یَعِدُکُمُ اللّهُ إِحْدَی الطّائِفَتَیْنِ أَنَّها لَکُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَیْرَ ذاتِ الشَّوْکَةِ تَکُونُ لَکُمْ وَ یُریدُ اللّهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرینَ و [به یاد آورید] هنگامی را که خدا یکی از دو دسته [کاروان تجارتی قریش یا سپاه ابوسفیان‏] را به شما وعده داد که از آنِ شما باشد، و شما دوست داشتید که دسته بی‏سلاح برای شما باشد، و[لی‏] خدا می‏خواست حق [=اسلام‏] را با کلمات خود ثابت‏، و کافران را ریشه‏کن کند.**
8. **[انفال۱۵] ص۱۷۸ ـ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا لَقیتُمُ الَّذینَ کَفَرُوا زَحْفًا فَلا تُوَلُّوهُمُ اْلأَدْبارَ ای کسانی که ایمان آورده‏اید، هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می‏آورند، به آنان پشت مکنید.**
9. **[الأنفال16 ] ص178 - وَ مَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلاّ مُتَحَرِّفًا لِقِتالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلي فِئَةٍ فَقَدْ باءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند ـ مگر آنکه [هدفش‏] کناره‏گيري براي نبردي [مجدد] يا پيوستن به جمعي [ديگر از همرزمانش‏] باشد ـ قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد، و جايگاهش دوزخ است‏، و چه بد سرانجامي است‏.**
10. **[انفال۵۰] ص۱۸۳ ـ وَ لَوْ تَری إِذْ یَتَوَفَّی الَّذینَ کَفَرُوا الْمَلائِکَةُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذابَ الْحَریقِ و اگر ببینی آنگاه که فرشتگان جان کافران را می‏ستانند، بر چهره و پشت آنان می‏زنند و [گویند:] عذاب سوزان را بچشید.**
11. **[التوبة25 ] ص190 - لَقَدْ نَصَرَکُمُ اللّهُ في مَواطِنَ کَثيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْکُمْ کَثْرَتُکُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْکُمْ شَيْئًا وَ ضاقَتْ عَلَيْکُمُ اْلأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرينَ قطعاً خداوند شما را در مواضع بسياري ياري کرده است‏، و [نيز] در روز «حنين‏»؛ آن هنگام که شمار زيادتان شما را به شگفت آورده بود، ولي به هيچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد، و زمين با همه فراخي بر شما تنگ گرديد، سپس در حالي که پشت [به دشمن‏] کرده بوديد برگشتيد.**
12. **[يونس3 ] ص208 - إِنَّ رَبَّکُمُ اللّهُ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضَ في سِتَّةِ أَيّامٍ ثُمَّ اسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ ما مِنْ شَفيعٍ إِلاّ مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذلِکُمُ اللّهُ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ پروردگار شما آن خدايي است که آسمانها و زمين را در شش هنگام آفريد. سپس بر عرش استيلا يافت‏. کار [آفرينش‏] را تدبير مي‏کند. شفاعتگري جز پس از اذن او نيست‏. اين است خدا، پروردگار شما، پس او را بپرستيد. آيا پند نمي‏گيريد؟**
13. **[يونس31 ] ص212 - قُلْ مَنْ يَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّماءِ وَ اْلأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِکُ السَّمْعَ وَ اْلأَبْصارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللّهُ فَقُلْ أَ فَلا تَتَّقُونَ بگو: «کيست که از آسمان و زمين به شما روزي مي‏بخشد؟ يا کيست که حاکم بر گوشها و ديدگان است‏؟ و کيست که زنده را از مرده بيرون مي‏آورد و مرده را از زنده خارج مي‏سازد؟ و کيست که کارها را تدبير مي‏کند؟» خواهند گفت‏: «خدا» پس بگو: «آيا پروا نمي‏کنيد؟» [یونس۳۲] ص۲۱۲ ـ فَذلِکُمُ اللّهُ رَبُّکُمُ الْحَقُّ فَما ذا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلالُ فَأَنّى تُصْرَفُونَ این است خدا، پروردگار حقیقی شما، و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست‏؟ پس چگونه [از حق‏] بازگردانیده می‏شوید؟**
14. **[يوسف25 ] ص238 - وَ اسْتَبَقَا الْبابَ وَ قَدَّتْ قَميصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ أَلْفَيا سَيِّدَها لَدَي الْبابِ قالَتْ ما جَزاءُ مَنْ أَرادَ بِأَهْلِکَ سُوءًا إِلاّ أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذابٌ أَليمٌ و آن دو به سوي در بر يکديگر سبقت گرفتند، و [آن زن‏] پيراهن او را از پشت بدريد و در آستانه در آقاي آن زن را يافتند. آن گفت‏: «کيفر کسي که قصد بد به خانواده تو کرده چيست‏؟ جز اينکه زنداني يا [دچار] عذابي دردناک شود».**
15. **[يوسف27 ] ص238 - وَ إِنْ کانَ قَميصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَکَذَبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصّادِقينَ و اگر پيراهن او از پشت دريده شده‏، زن دروغ گفته و او از راستگويان است‏».**
16. **[يوسف28 ] ص238 - فَلَمّا رَأي قَميصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قالَ إِنَّهُ مِنْ کَيْدِکُنَّ إِنَّ کَيْدَکُنَّ عَظيمٌ پس چون [شوهرش‏] ديد پيراهن او از پشت چاک خورده است گفت‏: «بي‏شک‏، اين از نيرنگ شما [زنان‏] است‏، که نيرنگ شما [زنان‏] بزرگ است‏».**
17. **[الرعد2 ] ص249 - اللّهُ الَّذي رَفَعَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها ثُمَّ اسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ يَجْري ِلأَجَلٍ مُسَمًّي يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ يُفَصِّلُ اْلآياتِ لَعَلَّکُمْ بِلِقاءِ رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ خدا [همان‏] کسي است که آسمانها را بدون ستونهايي که آنها را ببينيد برافراشت‏، آنگاه بر عرش استيلا يافت و خورشيد و ماه را رام گردانيد؛ هر کدام براي مدّتي معيّن به سير خود ادامه مي‏دهند. [خداوند] در کار [آفرينش‏] تدبير مي‏کند، و آيات [خود] را به روشني بيان مي‏نمايد، اميد که شما به لقاي پروردگارتان يقين حاصل کنيد.**
18. **[حجر۶۵] ص۲۶۵ ـ فَأَسْرِ بِأَهْلِکَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّیْلِ وَ اتَّبِعْ أَدْبارَهُمْ وَ لا یَلْتَفِتْ مِنْکُمْ أَحَدٌ وَ امْضُوا حَیْثُ تُؤْمَرُونَ پس‏، پاسی از شب [گذشته‏] خانواده‏ات را حرکت ده و [خودت‏] به دنبال آنان برو، و هیچ یک از شما نباید به عقب بنگرد، و هر جا به شما دستور داده می‏شود بروید.**
19. **[حجر۶۶] ص۲۶۵ ـ وَ قَضَیْنا إِلَیْهِ ذلِکَ اْلأَمْرَ أَنَّ دابِرَ هؤُلاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحینَ و او را از این امر آگاه کردیم که ریشه آن گروه صبحگاهان بریده خواهد شد.**
20. **[إسراء۴۶] ص۲۸۶ ـ وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّةً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْرًا وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی أَدْبارِهِمْ نُفُورًا و بر دلهایشان پوششها می‏نهیم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار می‏دهیم‏] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می‏کنند.**
21. **[الأنبياء57 ] ص326 - وَ تَاللّهِ َلأَکيدَنَّ أَصْنامَکُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرينَ و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کرديد و رفتيد، قطعاً در کار بتانتان تدبيري خواهم کرد».**
22. **[المؤمنون68 ] ص346 - أَ فَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جاءَهُمْ ما لَمْ يَأْتِ آباءَهُمُ اْلأَوَّلينَ آيا در [عظمت‏] اين سخن نينديشيده‏اند، يا چيزي براي آنان آمده که براي پدران پيشين آنها نيامده است‏؟**
23. **[النمل10 ] ص377 - وَ أَلْقِ عَصاکَ فَلَمّا رَآها تَهْتَزُّ کَأَنَّها جَانٌّ وَلّي مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ يا مُوسي لا تَخَفْ إِنّي لا يَخافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ و عصايت را بيفکن‏. پس چون آن را همچون ماري ديد که مي‏جنبد، پشت گردانيد و به عقب بازنگشت‏. «اي موسي‏، مترس که فرستادگان پيش من نمي‏ترسند.**
24. **[النمل80 ] ص384 - إِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتي وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرينَ البته تو مردگان را شنوا نمي‏گرداني‏، و اين ندا را به کران ـ چون پشت بگردانند ـ نمي‏تواني بشنواني‏.**
25. **[القصص31 ] ص389 - وَ أَنْ أَلْقِ عَصاکَ فَلَمّا رَآها تَهْتَزُّ کَأَنَّها جَانٌّ وَلّي مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ يا مُوسي أَقْبِلْ وَ لا تَخَفْ إِنَّکَ مِنَ اْلآمِنينَ و [فرمود:] «عصاي خود را بيفکن‏.» پس چون ديد آن مِثْل ماري مي‏جنبد، پشت کرد و برنگشت‏. «اي موسي‏، پيش آي و مترس که تو در اماني‏».**
26. **[الروم52 ] ص410 - فَإِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتي وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرينَ و در حقيقت‏، تو مردگان را شنوا نمي‏گرداني‏، و اين دعوت را به کران ـ آنگاه که به ادبار پشت مي‏گردانند ـ نمي‏تواني بشنواني‏.**
27. **[السجدة5 ] ص415 - يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ مِنَ السَّماءِ إِلَي اْلأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ في يَوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمّا تَعُدُّونَ کار [جهان‏] را از آسمان [گرفته‏] تا زمين‏، اداره مي‏کند؛ آنگاه [نتيجه و گزارش آن‏] در روزي که مقدارش ـ آن چنان که شما [آدميان‏] برمي‏شماريد ـ هزار سال است‏، به سوي او بالا مي‏رود.**
28. **[أحزاب۱۵] ص۴۱۹ ـ وَ لَقَدْ کانُوا عاهَدُوا اللّهَ مِنْ قَبْلُ لا یُوَلُّونَ اْلأَدْبارَ وَ کانَ عَهْدُ اللّهِ مَسْؤُلاً با آنکه قبلاً با خدا سخت پیمان بسته بودند که پشت [به دشمن‏] نکنند، و پیمان خدا همواره بازخواست دارد.**
29. **[الصافات90 ] ص449 - فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرينَ پس پشت‏کنان از او روي برتافتند!**
30. **[ص29 ] ص455 - کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْکَ مُبارَکٌ لِيَدَّبَّرُوا آياتِهِ وَ لِيَتَذَکَّرَ أُولُوا اْلأَلْبابِ [اين‏] کتابي مبارک است که آن را به سوي تو نازل کرده‏ايم تا در [باره‏] آيات آن بينديشند، و خردمندان پند گيرند.**
31. **[غافر33 ] ص470 - يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرينَ ما لَکُمْ مِنَ اللّهِ مِنْ عاصِمٍ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللّهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ روزي که پشت‏کنان [به عنف‏] بازمي‏گرديد، براي شما در برابر خدا هيچ حمايتگري نيست‏؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبري نيست‏».**
32. **[محمد24 ] ص509 - أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلي قُلُوبٍ أَقْفالُها آيا به آيات قرآن نمي‏انديشند؟ يا [مگر] بر دلهايشان قفلهايي نهاده شده است‏؟**
33. **[محمّد۲۵] ص۵۰۹ ـ إِنَّ الَّذینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی الشَّیْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمْلی لَهُمْ بی‏گمان‏، کسانی که پس از آنکه [راه‏] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت‏] پشت کردند، شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت‏.**
34. **[محمّد۲۷] ص۵۰۹ ـ فَکَیْفَ إِذا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلائِکَةُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبارَهُمْ پس چگونه [تاب می‏آورند] وقتی که فرشتگان [عذاب‏]، جانشان را می‏ستانند و بر چهره و پشت آنان تازیانه می‏نوازند؟**
35. **[فتح۲۲] ص۵۱۳ ـ وَ لَوْ قاتَلَکُمُ الَّذینَ کَفَرُوا لَوَلَّوُا اْلأَدْبارَ ثُمَّ لا یَجِدُونَ وَلِیًّا وَ لا نَصیرًا و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد، و دیگر یار و یاوری نخواهند یافت‏.**
36. **[ق۴۰] ص۵۲۰ ـ وَ مِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبارَ السُّجُودِ و پاره‏ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله‏] او را تسبیح گوی‏.**
37. **[طور۴۹] ص۵۲۵ ـ وَ مِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبارَ النُّجُومِ و [نیز] پاره‏ای از شب‏، و در فروشدن ستارگان تسبیح‏گوی او باش‏.**
38. **[القمر45 ] ص530 - سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ زودا که اين جمع در هم شکسته شود و پشت کنند.**
39. **[حشر۱۲] ص۵۴۷ ـ لَئِنْ أُخْرِجُوا لا یَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَ لَئِنْ قُوتِلُوا لا یَنْصُرُونَهُمْ وَ لَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَیُوَلُّنَّ اْلأَدْبارَ ثُمَّ لا یُنْصَرُونَ اگر [یهود] اخراج شوند، آنها با ایشان بیرون نخواهند رفت‏، و اگر با آنان جنگیده شود [منافقان‏،] آنها را یاری نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند حتماً [در جنگ‏] پشت خواهند کرد و [دیگر] یاری نیابند.**
40. **[المعارج17 ] ص569 - تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلّي هر که را پشت کرده و روي برتافته‏،**
41. **[المدثر23 ] ص576 - ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَکْبَرَ آنگاه پشت گردانيد و تکبّر ورزيد،**
42. **[المدثر33 ] ص576 - وَ اللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ و سوگند به شامگاه چون پشت کند،**
43. **[النازعات5 ] ص583 - فَالْمُدَبِّراتِ أَمْرًا و کار [بندگان‏] را تدبير مي‏کنند.**
44. **[النازعات22 ] ص584 - ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعي سپس پشت کرد [و] به کوشش برخاست‏،**

#### **دسته بندی آیات دبر بر مبنای ریشه و سپس بررسی مفهوم هر یک**

##### **دبر**

1. **[آل‌عمران۱۱۱] ص۶۴ ـ لَنْ یَضُرُّوکُمْ إِلاّ أَذًی وَ إِنْ یُقاتِلُوکُمْ یُوَلُّوکُمُ اْلأَدْبارَ ثُمَّ لا یُنْصَرُونَ جز آزاری [اندک‏] هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید؛ و اگر با شما بجنگند، به شما پشت نمایند، سپس یاری نیابند.**
2. **[نساء۴۷] ص۸۶ ـ یا أَیُّهَا الَّذینَ أُوتُوا الْکِتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقًا لِما مَعَکُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّها عَلی أَدْبارِها أَوْ نَلْعَنَهُمْ کَما لَعَنّا أَصْحابَ السَّبْتِ وَ کانَ أَمْرُ اللّهِ مَفْعُولاً ای کسانی که به شما کتاب داده شده است‏، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق‏کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره‏هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم‏؛ یا همچنانکه «اصحاب سبت‏» را لعنت کردیم‏؛ آنان را [نیز] لعنت کنیم‏، و فرمان خدا همواره تحقق یافته است‏.**
3. **[الأنفال16 ] ص178 - وَ مَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلاّ مُتَحَرِّفًا لِقِتالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلي فِئَةٍ فَقَدْ باءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصيرُ و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند ـ مگر آنکه [هدفش‏] کناره‏گيري براي نبردي [مجدد] يا پيوستن به جمعي [ديگر از همرزمانش‏] باشد ـ قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد، و جايگاهش دوزخ است‏، و چه بد سرانجامي است‏.**
4. **[مائده۲۱] ص۱۱۱ ـ یا قَوْمِ ادْخُلُوا اْلأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتی کَتَبَ اللّهُ لَکُمْ وَ لا تَرْتَدُّوا عَلی أَدْبارِکُمْ فَتَنْقَلِبُوا خاسِرینَ «ای قوم من‏، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است درآیید، و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد».**
5. **[انعام۴۵] ص۱۳۳ ـ فَقُطِعَ دابِرُ الْقَوْمِ الَّذینَ ظَلَمُوا وَ الْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است‏.**
6. **[اعراف۷۲] ص۱۵۹ ـ فَأَنْجَیْناهُ وَ الَّذینَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنّا وَ قَطَعْنا دابِرَ الَّذینَ کَذَّبُوا بِآیاتِنا وَ ما کانُوا مُؤْمِنینَ پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رهانیدیم‏؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه‏کن کردیم‏.**
7. **[انفال۷] ص۱۷۷ ـ وَ إِذْ یَعِدُکُمُ اللّهُ إِحْدَی الطّائِفَتَیْنِ أَنَّها لَکُمْ وَ تَوَدُّونَ أَنَّ غَیْرَ ذاتِ الشَّوْکَةِ تَکُونُ لَکُمْ وَ یُریدُ اللّهُ أَنْ یُحِقَّ الْحَقَّ بِکَلِماتِهِ وَ یَقْطَعَ دابِرَ الْکافِرینَ و [به یاد آورید] هنگامی را که خدا یکی از دو دسته [کاروان تجارتی قریش یا سپاه ابوسفیان‏] را به شما وعده داد که از آنِ شما باشد، و شما دوست داشتید که دسته بی‏سلاح برای شما باشد، و[لی‏] خدا می‏خواست حق [=اسلام‏] را با کلمات خود ثابت‏، و کافران را ریشه‏کن کند.**
8. **[انفال۱۵] ص۱۷۸ ـ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِذا لَقیتُمُ الَّذینَ کَفَرُوا زَحْفًا فَلا تُوَلُّوهُمُ اْلأَدْبارَ ای کسانی که ایمان آورده‏اید، هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می‏آورند، به آنان پشت مکنید.**
9. **[انفال۱۶] ص۱۷۸ ـ وَ مَنْ یُوَلِّهِمْ یَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلاّ مُتَحَرِّفًا لِقِتالٍ أَوْ مُتَحَیِّزًا إِلی فِئَةٍ فَقَدْ باءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللّهِ وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصیرُ و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند \_ مگر آنکه [هدفش‏] کناره‏گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از همرزمانش‏] باشد \_ قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد، و جایگاهش دوزخ است‏، و چه بد سرانجامی است‏.**
10. **[انفال۵۰] ص۱۸۳ ـ وَ لَوْ تَری إِذْ یَتَوَفَّی الَّذینَ کَفَرُوا الْمَلائِکَةُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبارَهُمْ وَ ذُوقُوا عَذابَ الْحَریقِ و اگر ببینی آنگاه که فرشتگان جان کافران را می‏ستانند، بر چهره و پشت آنان می‏زنند و [گویند:] عذاب سوزان را بچشید. معنای دبر در این آیه وضوح زیادی دارد. رو و پشت**
11. **[التوبة25 ] ص190 - لَقَدْ نَصَرَکُمُ اللّهُ في مَواطِنَ کَثيرَةٍ وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْکُمْ کَثْرَتُکُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْکُمْ شَيْئًا وَ ضاقَتْ عَلَيْکُمُ اْلأَرْضُ بِما رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرينَ قطعاً خداوند شما را در مواضع بسياري ياري کرده است‏، و [نيز] در روز «حنين‏»؛ آن هنگام که شمار زيادتان شما را به شگفت آورده بود، ولي به هيچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد، و زمين با همه فراخي بر شما تنگ گرديد، سپس در حالي که پشت [به دشمن‏] کرده بوديد برگشتيد.**
12. **[يوسف25 ] ص238 - وَ اسْتَبَقَا الْبابَ وَ قَدَّتْ قَميصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَ أَلْفَيا سَيِّدَها لَدَي الْبابِ قالَتْ ما جَزاءُ مَنْ أَرادَ بِأَهْلِکَ سُوءًا إِلاّ أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذابٌ أَليمٌ و آن دو به سوي در بر يکديگر سبقت گرفتند، و [آن زن‏] پيراهن او را از پشت بدريد و در آستانه در آقاي آن زن را يافتند. آن گفت‏: «کيفر کسي که قصد بد به خانواده تو کرده چيست‏؟ جز اينکه زنداني يا [دچار] عذابي دردناک شود».**
13. **[يوسف27 ] ص238 - وَ إِنْ کانَ قَميصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَکَذَبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصّادِقينَ و اگر پيراهن او از پشت دريده شده‏، زن دروغ گفته و او از راستگويان است‏».**
14. **[يوسف28 ] ص238 - فَلَمّا رَأي قَميصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قالَ إِنَّهُ مِنْ کَيْدِکُنَّ إِنَّ کَيْدَکُنَّ عَظيمٌ پس چون [شوهرش‏] ديد پيراهن او از پشت چاک خورده است گفت‏: «بي‏شک‏، اين از نيرنگ شما [زنان‏] است‏، که نيرنگ شما [زنان‏] بزرگ است‏».**
15. **[حجر۶۵] ص۲۶۵ ـ فَأَسْرِ بِأَهْلِکَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّیْلِ وَ اتَّبِعْ أَدْبارَهُمْ وَ لا یَلْتَفِتْ مِنْکُمْ أَحَدٌ وَ امْضُوا حَیْثُ تُؤْمَرُونَ پس‏، پاسی از شب [گذشته‏] خانواده‏ات را حرکت ده و [خودت‏] به دنبال آنان برو، و هیچ یک از شما نباید به عقب بنگرد، و هر جا به شما دستور داده می‏شود بروید.**
16. **[حجر۶۶] ص۲۶۵ ـ وَ قَضَیْنا إِلَیْهِ ذلِکَ اْلأَمْرَ أَنَّ دابِرَ هؤُلاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحینَ و او را از این امر آگاه کردیم که ریشه آن گروه صبحگاهان بریده خواهد شد. دابر:‌ تابع- آخر اینجا یعنی تا آخرین نفر**
17. **[إسراء۴۶] ص۲۸۶ ـ وَ جَعَلْنا عَلی قُلُوبِهِمْ أَکِنَّةً أَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فی آذانِهِمْ وَقْرًا وَ إِذا ذَکَرْتَ رَبَّکَ فِی الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلی** أَدْبارِهِمْ **نُفُورًا و بر دلهایشان پوششها می‏نهیم تا آن را نفهمند و در گوشهایشان سنگینی [قرار می‏دهیم‏] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می‏کنند**
18. **[الأنبياء57 ] ص326 - وَ تَاللّهِ َلأَکيدَنَّ أَصْنامَکُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرينَ و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کرديد و رفتيد، قطعاً در کار بتانتان تدبيري خواهم کرد».**
19. **[النمل10 ] ص377 - وَ أَلْقِ عَصاکَ فَلَمّا رَآها تَهْتَزُّ کَأَنَّها جَانٌّ وَلّي مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ يا مُوسي لا تَخَفْ إِنّي لا يَخافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ و عصايت را بيفکن‏. پس چون آن را همچون ماري ديد که مي‏جنبد، پشت گردانيد و به عقب بازنگشت‏. «اي موسي‏، مترس که فرستادگان پيش من نمي‏ترسند.**
20. **[النمل80 ] ص384 - إِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتي وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرينَ البته تو مردگان را شنوا نمي‏گرداني‏، و اين ندا را به کران ـ چون پشت بگردانند ـ نمي‏تواني بشنواني‏.**
21. **[القصص31 ] ص389 - وَ أَنْ أَلْقِ عَصاکَ فَلَمّا رَآها تَهْتَزُّ کَأَنَّها جَانٌّ وَلّي مُدْبِرًا وَ لَمْ يُعَقِّبْ يا مُوسي أَقْبِلْ وَ لا تَخَفْ إِنَّکَ مِنَ اْلآمِنينَ و [فرمود:] «عصاي خود را بيفکن‏.» پس چون ديد آن مِثْل ماري مي‏جنبد، پشت کرد و برنگشت‏. «اي موسي‏، پيش آي و مترس که تو در اماني‏».**
22. **[الروم52 ] ص410 - فَإِنَّکَ لا تُسْمِعُ الْمَوْتي وَ لا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعاءَ إِذا وَلَّوْا مُدْبِرينَ و در حقيقت‏، تو مردگان را شنوا نمي‏گرداني‏، و اين دعوت را به کران ـ آنگاه که به ادبار پشت مي‏گردانند ـ نمي‏تواني بشنواني‏.**
23. **[أحزاب۱۵] ص۴۱۹ ـ وَ لَقَدْ کانُوا عاهَدُوا اللّهَ مِنْ قَبْلُ لا یُوَلُّونَ اْلأَدْبارَ وَ کانَ عَهْدُ اللّهِ مَسْؤُلاً با آنکه قبلاً با خدا سخت پیمان بسته بودند که پشت [به دشمن‏] نکنند، و پیمان خدا همواره بازخواست دارد.**
24. **[الصافات90 ] ص449 - فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرينَ پس پشت‏کنان از او روي برتافتند!**
25. **[غافر33 ] ص470 - يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرينَ ما لَکُمْ مِنَ اللّهِ مِنْ عاصِمٍ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللّهُ فَما لَهُ مِنْ هادٍ روزي که پشت‏کنان [به عنف‏] بازمي‏گرديد، براي شما در برابر خدا هيچ حمايتگري نيست‏؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبري نيست‏».**
26. **[محمّد۲۵] ص۵۰۹ ـ إِنَّ الَّذینَ ارْتَدُّوا عَلی أَدْبارِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَیَّنَ لَهُمُ الْهُدَی الشَّیْطانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَ أَمْلی لَهُمْ بی‏گمان‏، کسانی که پس از آنکه [راه‏] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت‏] پشت کردند، شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت‏.**
27. **[محمّد۲۷] ص۵۰۹ ـ فَکَیْفَ إِذا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلائِکَةُ یَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَ أَدْبارَهُمْ پس چگونه [تاب می‏آورند] وقتی که فرشتگان [عذاب‏]، جانشان را می‏ستانند و بر چهره و پشت آنان تازیانه می‏نوازند؟ معنای دبر در این آیه وضوح زیادی دارد. رو و پشت**
28. **[فتح۲۲] ص۵۱۳ ـ وَ لَوْ قاتَلَکُمُ الَّذینَ کَفَرُوا لَوَلَّوُا اْلأَدْبارَ ثُمَّ لا یَجِدُونَ وَلِیًّا وَ لا نَصیرًا و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد، و دیگر یار و یاوری نخواهند یافت‏.**
29. **[ق۴۰] ص۵۲۰ ـ وَ مِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَ أَدْبارَ السُّجُودِ و پاره‏ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله‏] او را تسبیح گوی‏. ادبار جمع دبر است. برای فهم بهتر مفهوم این آیه می توان آن را به این صورت نوشت: و من الیل و ادبار السجود فسبحه یعنی بخشی از شب و نیز پس از سجده ها به تسبیح او بپرداز. چنانچه در اینجا ملاحظه می شود معنای دبر پشت نیست، بلکه "پس از" است. همین آیه نشان میدهد که در مواردی که با موضوعی مواجه هستیم که "رو و پشت" برای آن مطرح نیست مانند سجده کردن دبر معنای "پس از" خواهد داشت. همین حالت در مورد امر هم هست. یعنی امر هم از موضوعاتی است که "رو و پشت" برای آن مطرح نیست.**
30. **[طور۴۹] ص۵۲۵ ـ وَ مِنَ اللَّیْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِدْبارَ النُّجُومِ**

**و [نیز] پاره‏ای از شب‏، و در فروشدن (پشت کردن) ستارگان تسبیح‏گوی او باش‏.**

1. **[حشر۱۲] ص۵۴۷ ـ لَئِنْ أُخْرِجُوا لا یَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَ لَئِنْ قُوتِلُوا لا یَنْصُرُونَهُمْ وَ لَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَیُوَلُّنَّ اْلأَدْبارَ ثُمَّ لا یُنْصَرُونَ**

**اگر [یهود] اخراج شوند، آنها با ایشان بیرون نخواهند رفت‏، و اگر با آنان جنگیده شود [منافقان‏،] آنها را یاری نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند حتماً [در جنگ‏] پشت خواهند کرد و [دیگر] یاری نیابند.**

1. **[القمر45 ] ص530 - سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَ يُوَلُّونَ الدُّبُرَ**

**زودا که اين جمع در هم شکسته شود و پشت کنند.**

1. **[المعارج17 ] ص569 - تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَ تَوَلّي**

**هر که را پشت کرده و روي برتافته‏،**

1. **[المدثر23 ] ص576 - ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَکْبَرَ**

**آنگاه پشت گردانيد و تکبّر ورزيد،**

1. **[المدثر33 ] ص576 - وَ اللَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ**

**و سوگند به شامگاه چون پشت کند،**

1. **[النازعات22 ] ص584 - ثُمَّ أَدْبَرَ يَسْعي**

**سپس پشت کرد [و] به کوشش برخاست‏،**

###### **مفهوم دبر در آیات**

**پشت**

**پشت کردن**

**پشت کردن به صحنه و ترک کردن آن**

**به دنبال و بعد از (برای مواردی که پشت و جلو برای آنها مطرح نیست)‌**

###### **مفهوم دبر در کتاب التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج‏3، ص: 175**

**هو ما يقابل القبل و الإقبال**

**دابر كلّ شي‏ء آخره و و ما يتأخّر من الشي‏ء**

**فلا يبعد أن يكون في الأصل صفة كالجنب، بمعنى ما اتّصف بكونه دابرا، ثمّ يطلق على كلّ ما هو متأخر و تابع**

##### **تدبیر**

1. **[يونس3 ] ص208 - إِنَّ رَبَّکُمُ اللّهُ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضَ في سِتَّةِ أَيّامٍ ثُمَّ اسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ ما مِنْ شَفيعٍ إِلاّ مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذلِکُمُ اللّهُ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ پروردگار شما آن خدايي است که آسمانها و زمين را در شش هنگام آفريد. سپس بر عرش استيلا يافت‏. کار [آفرينش‏] را تدبير مي‏کند. شفاعتگري جز پس از اذن او نيست‏. اين است خدا، پروردگار شما، پس او را بپرستيد. آيا پند نمي‏گيريد؟ منظور از الامر تمام امور است**
2. **[يونس31 ] ص212 - قُلْ مَنْ يَرْزُقُکُمْ مِنَ السَّماءِ وَ اْلأَرْضِ أَمَّنْ يَمْلِکُ السَّمْعَ وَ اْلأَبْصارَ وَ مَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَ مَنْ يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللّهُ فَقُلْ أَ فَلا تَتَّقُونَ/ بگو: «کيست که از آسمان و زمين به شما روزي مي‏بخشد؟ يا کيست که حاکم بر گوشها و ديدگان است‏؟ و کيست که زنده را از مرده بيرون مي‏آورد و مرده را از زنده خارج مي‏سازد؟ و کيست که کارها را تدبير مي‏کند؟» خواهند گفت‏: «خدا» پس بگو: «آيا پروا نمي‏کنيد؟»**

**[يونس32] ص212 ـ فَذلِكُمُ اللّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَما ذا بَعْدَ الْحَقِّ إِلاَّ الضَّلالُ فَأَنّى تُصْرَفُونَ اين است خدا، پروردگار حقيقي شما، و بعد از حقيقت جز گمراهي چيست‏؟ پس چگونه [از حق‏] بازگردانيده مي‏شويد وقتی صحبت از حق است یعنی نظام خدایی، یعنی قرار دادن هر چیز در جای خود جایی که صحبت از نظام است چیدمان خیلی پررنگ است**

1. **[الرعد2 ] ص249 - اللّهُ الَّذي رَفَعَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها ثُمَّ اسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ يَجْري ِلأَجَلٍ مُسَمًّي يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ يُفَصِّلُ اْلآياتِ لَعَلَّکُمْ بِلِقاءِ رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ خدا [همان‏] کسي است که آسمانها را بدون ستونهايي که آنها را ببينيد برافراشت‏، آنگاه بر عرش استيلا يافت و خورشيد و ماه را رام گردانيد؛ هر کدام براي مدّتي معيّن به سير خود ادامه مي‏دهند. [خداوند] در کار [آفرينش‏] تدبير مي‏کند، و آيات [خود] را به روشني بيان مي‏نمايد، اميد که شما به لقاي پروردگارتان يقين حاصل کنيد.**
2. **[السجدة5 ] ص415 - يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ مِنَ السَّماءِ إِلَي اْلأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ في يَوْمٍ کانَ مِقْدارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمّا تَعُدُّونَ کار [جهان‏] را از آسمان [گرفته‏] تا زمين‏، اداره مي‏کند؛ آنگاه [نتيجه و گزارش آن‏] در روزي که مقدارش ـ آن چنان که شما [آدميان‏] برمي‏شماريد ـ هزار سال است‏، به سوي او بالا مي‏رود.**
3. **[النازعات5 ] ص583 - فَالْمُدَبِّراتِ أَمْرًا**

**و کار [بندگان‏] را تدبير مي‏کنند.**

###### **نکات مهم آیات تدبیر**

**تدبیر را الله انجام می دهد و کارگزاران او**

**تدبیر فقط برای امر استفاده شده**

**محدوده تدبیر امر در آسمان ها و زمین است**

**زمان تدبیر امر از زمان خلقت آسمان های ۷ گانه و زمین به بعد است و قبل از آن نبوده**

**تدبیر امر جهت دارد و از آسمان به سوی زمین**

###### **مفهوم تدبیر در آیات**

**کنج معنایی در آیه ۵ سوره سجده وجود دارد**

**مسیر خفض و رفع یعنی به سمت پایین و به سمت بالا**

**سرانجام امور خیلی پررنگ نیست. مسیر پررنگ است**

**در خلال مسیر يُدَبِّرُ انجام می شود پس تدبیر هر چه هست در خلال مسیر است**

**تدبیر که در باب تفعیل است یعنی دبر دار کردن. یعنی برای هر چیز یا مرحله یک مرحله دیگر در پشت آن و پس از آن قرار دادن و برای این چیز دوم هم چیز دیگری پس از آن قرار دادن و سپس............ تا اینکه تمامی مراحل مورد نیاز یک امر به انتها برسد.**

**پس تدبیر یعنی چیدمان موضوعات یکی در پشت دیگری. به عبارتی تدبیر یعنی دبر چینی**

**در تدبیر، مراحل به سوی پایین و چینش حق (بر اساس آیه 32 سوره یونس) ماجرا یعنی آن نظام و ارتباطی که بین موضوعات مختلف ایجاد می شود مطرح است**

**تدبیر= بصورت حقّ و دقیق به دنبال هم چیدن، بر اساس حقّ پشت سر هم چیدن، دُبُرچینیِ بر حقّ [از بالا به پایین یا از عقب به جلو]**

**تدبیر را خداوند از عرش انجام می دهد.**

**خود این چینش به قدری قیمت دارد که خداوند میفرماید این چینش را بدست آورید. به این چینش برسید و آن را کاملا بفهمید.**

###### **مفهوم تدبیر در کتاب التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج‏3، ص: 175**

**هو تصيير الشي‏ء ذا دبر**

**معنى التدبير بالنسبة الى اللّه تعالى معلوم، و تدبيره تعالى عبارة عن تنظيم امور العالم- و ترتيبه و جعل الأمور على أحسن نظام**

##### **تدبیر الامر**

**منظور از الامر در آیات تدبیر، تمام امور است**

###### **امر چیست؟ به آیات رجوع می کنیم**

**ریشه امر در 226 آیه 248 بار تکرار شده است**

**أَمْر۱۶۶ تکرار در 153 آیه**

**أَمَرَ ۷۷**

**یَأْتَمِرُ ۲**

**ءَامِرُون ۱**

**أَمَّارَة ۱**

**إِمْر ۱**

###### **وجوه معناي «امر»**

**۱) امر به معناي «ماجرا، موضوع، كار»**

**[كهف10] ص294 ـ إِذْ أَوَي الْفِتْيَةُ إِلَي الْکَهْفِ فَقالُوا رَبَّنا آتِنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنا مِنْ أَمْرِنا رَشَدًا**

**آنگاه كه جوانان به سوي غار پناه جستند و گفتند: «پروردگار ما! از جانب خود به ما رحمتي بخش و كار ما را براي ما به سامان رسان‏».**

**ـ 117====================**

 **[طه26] ص313 ـ وَ يَسِّرْ لي أَمْري**

**و كارم را براي من آسان ساز،**

**۲) امر به معناي «حكم و فرمان، واداشتن، دعوت»**

**[بقره27] ص5 ـ الَّذينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللّهِ مِنْ بَعْدِ ميثاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي اْلأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ**

**هماناني كه پيمان خدا را پس از بستن آن مي‏شكنند؛ و آنچه را خداوند به پيوستنش امر فرموده مي‏گسلند؛ و در زمين به فساد مي‏پردازند؛ آنانند كه زيانكارانند.**

**ـ 2====================**

**[بقره44] ص7 ـ أَ تَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْکِتابَ أَ فَلا تَعْقِلُونَ**

**آيا مردم را به نيكي فرمان مي‏دهيد و خود را فراموش مي‏كنيد، با اينكه شما كتاب [خدا] را مي‏خوانيد؟ آيا [هيچ‏] نمي‏انديشيد؟**

**ـ 3====================**

**[بقره67] ص10 ـ وَ إِذْ قالَ مُوسي لِقَوْمِهِ إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُکُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قالُوا أَ تَتَّخِذُنا هُزُوًا قالَ أَعُوذُ بِاللّهِ أَنْ أَکُونَ مِنَ الْجاهِلينَ**

**و هنگامي كه موسي به قوم خود گفت‏: «خدا به شما فرمان مي‏دهد كه‏: ماده گاوي را سر ببريد»، گفتند: «آيا ما را به ريشخند مي‏گيري‏؟» گفت‏: «پناه مي‏برم به خدا كه [مبادا] از جاهلان باشم‏».**

**امر به معناي «راه باز كردن»**

**[إسراء16] ص283 ـ وَ إِذا أَرَدْنا أَنْ نُهْلِکَ قَرْيَةً أَمَرْنا مُتْرَفيها فَفَسَقُوا فيها فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْناها تَدْميرًا**

**و چون بخواهيم شهري را هلاك كنيم‏، راه را باز مي‌كنيم تا خوشگذرانانش در آن به انحراف [و فساد] بپردازند، و در نتيجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [يكسره‏] زير و زبر كنيم‏.**

**الآن مدتي است كه غربي‌ها در كلّ زمين فسق را رواج داده‌اند، پس بايد انتظار نابودي اقوام بشري را داشته باشيم و اين جز برنامة آخرالزمان چه مي‌تواند باشد؟!**

**۳) قوانینی که خداوند وضع کرده است**

**خداوند «اشیاء» را بوسیله «أمر [= قوانینی که در طبیعت وضع کرده]»، مسخّر خویش کرده است [۶ آیه]**

**[اعراف۵۴] ص157 ـ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ في‏ سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوى‏ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهارَ يَطْلُبُهُ حَثيثاً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمينَ**

**در حقيقت، پروردگار شما آن خدايى است كه آسمانها و زمين را در شش روز آفريد؛ سپس بر عرش [جهاندارى‌] استيلا يافت. روز را به شب -كه شتابان آن را مى طلبد- مى‌پوشاند، و [نيز] خورشيد و ماه و ستارگان را كه به فرمان او رام شده‌اند [پديد آورد]. آگاه باش كه [عالم‌] خلق و امر از آن اوست. فرخنده خدايى است پروردگار جهانيان.**

**[رعد۲] ص249 ـ اللَّهُ الَّذي رَفَعَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها ثُمَّ اسْتَوى‏ عَلَى الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ كُلٌّ يَجْري لِأَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآياتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ**

**خدا [همان‌] كسى است كه آسمانها را بدون ستونهايى كه آنها را ببينيد برافراشت، آنگاه بر عرش استيلا يافت و خورشيد و ماه را رام گردانيد؛ هر كدام براى مدّتى معيّن به سير خود ادامه مى‌دهند. [خداوند] در كار [آفرينش‌] تدبير مى‌كند، و آيات [خود] را به روشنى بيان مى‌نمايد، اميد كه شما به لقاى پروردگارتان يقين حاصل كنيد.**

**[جاثیه۱۲] ص499 ـ اللَّهُ الَّذي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ**

**خدا همان كسى است كه دريا را به سود شما رام گردانيد، تا كشتيها در آن به فرمانش روان شوند، و تا از فزون بخشى او [روزى خويش را] طلب نماييد، و باشد كه سپاس داريد.**

**کشتی بوسیله «أمر [= قوانینی که در طبیعت وضع کرده]» خداوند در دریا جاری است [۴ آیه]**

**[ابراهیم۳۲] ص259 ـ اللَّهُ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقاً لَكُمْ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهارَ**

**خداست كه آسمانها و زمين را آفريد، و از آسمان آبى فرستاد، و به وسيله آن از ميوه‌ها براى شما روزى بيرون آورد، و كشتى را براى شما رام گردانيد تا به فرمان او در دريا روان شود، و رودها را براى شما مسخّر كرد.**

**[حجّ۶۵] ص340 ـ أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ ما فِي الْأَرْضِ وَ الْفُلْكَ تَجْري فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلاَّ بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحيمٌ**

**آيا نديده‌اى كه خدا آنچه را در زمين است به نفع شما رام گردانيد، و كشتيها در دريا به فرمان او روانند، و آسمان را نگاه مى‌دارد تا [مبادا] بر زمين فرو افتد، مگر به اذن خودش [باشد]. در حقيقت، خداوند نسبت به مردم سخت رئوف و مهربان است.**

**وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ وَ لِيُذيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [روم46]**

**[جاثیه۱۲] ص499 ـ اللَّهُ الَّذي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ**

**خدا همان كسى است كه دريا را به سود شما رام گردانيد، تا كشتيها در آن به فرمانش روان شوند، و تا از فزون بخشى او [روزى خويش را] طلب نماييد، و باشد كه سپاس داريد.**

**۴) اِئتمار [نه امر] به معناي «مشورت كردن»**

**[قصص20] ص387 ـ وَ جاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَي الْمَدينَةِ يَسْعي قالَ يا مُوسي إِنَّ الْمَلأَ يَأْتَمِرُونَ بِکَ لِيَقْتُلُوکَ فَاخْرُجْ إِنّي لَکَ مِنَ النّاصِحينَ**

**و از دورافتاده‏ترين [نقطه‏] شهر، مردي دوان دوان آمد [و] گفت‏: «اي موسي‏، سران قوم در باره تو مشورت مي‏كنند تا تو را بكشند. پس [از شهر] خارج شو. من جداً از خيرخواهان توام‏».**

###### **چگونگی تدبیر امر**

**چنانچه در مفهوم تدبیر گفته شد، تدبیر امر یعنی دبرچینی امر در مسیر نزول امر. در ادامه توصیف این دبر چینی در مسیر امر را ملاحظه خواهیم کرد.**

**نزول امر: در نظام الهي، امور از بالاترين نقاط عالم هستي ايجاد و به سوي عمق جاري مي‏شوند؛ اينکه امور به سوي عمق جاري مي‏شود اصطلاحأ نزول امر ناميده مي‏شود.**

**اضافه شدن قیود متعدد به امر در سیر نزول: در جريان نزول امر، چون خداوند متعال لباسهاي خشن‏تري بر تن امر مي‏کند امر به عوالم خشن‏تر نازل می شود.**

**مثال ابعاد انسان و اثر گذاری در مادی**

**روح**

 **جسم برزخي**

**جسم دخاني**

**اتصال اين دو به وسيله جان**

**جسم مادی**

**شما که روح داريد مي‏توانيد با اين چند واسطه جسم مادي را به کار گيريد و در عمق اثر بگذاريد.**

**امر خدا نيز چنين است، در خلال عوالم با لباسهاي متعددی که بر آن پوشانده می شود پايين مي‏آيد و به این ترتیب می تواند اشیاء عالم مادی را بکار بگیرد**

**امر از کلی به جزیی است نه از ابتدا به انتها. آن بالا کلیتی ایجاد می شود و هر چه جزییات بیشتری به آن تعلق می گیرد پایین تر می آید. وقتی که همه جزئیات شامل کیفیت، نفرات، مقدار، مکان، زمان، ابتدا و انتها و اجل ... به آن تعلق می گیرد پایین می آید.**

**1- تدبير عرشیِ امور (اراده‌ی امر)**

**اولین مرحله تدبیر امر در عوالم شهود، اراده یا حکم امر است که در عرش اتفاق می افتد.**

**با حکم یا اراده امر، صرفا عنوان امر مشخص می شود**

**[يونس3] ص208 ـ إِنَّ رَبَّکُمُ اللّهُ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضَ في سِتَّةِ أَيّامٍ ثُمَّ اسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ ما مِنْ شَفيعٍ إِلاّ مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذلِکُمُ اللّهُ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ أَ فَلا تَذَکَّرُونَ**

**پروردگار شما آن خدايي است كه آسمانها و زمين را در شش هنگام آفريد. سپس بر عرش استيلا يافت‏. كار [آفرينش‏] را تدبير مي‏كند. شفاعتگري جز پس از اذن او نيست‏. اين است خدا، پروردگار شما، پس او را بپرستيد. آيا پند نمي‏گيريد؟**

**[رعد2] ص249 ـ اللّهُ الَّذي رَفَعَ السَّماواتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَها ثُمَّ اسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ کُلٌّ يَجْري لأَجَلٍ مُسَمًّي يُدَبِّرُ اْلأَمْرَ يُفَصِّلُ اْلآياتِ لَعَلَّکُمْ بِلِقاءِ رَبِّکُمْ تُوقِنُونَ**

**خدا [همان‏] كسي است كه آسمانها را بدون ستونهايي كه آنها را ببينيد برافراشت‏، آنگاه بر عرش استيلا يافت و خورشيد و ماه را رام گردانيد؛ هر كدام براي مدّتي معيّن به سير خود ادامه مي‏دهند. [خداوند] در كار [آفرينش‏] تدبير مي‏كند، و آيات [خود] را به روشني بيان مي‏نمايد، اميد كه شما به لقاي پروردگارتان يقين حاصل كنيد.**

**اراده**

**[يس82] ص445 ـ إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ کُنْ فَيَکُونُ**

**چون به چيزي اراده فرمايد، كارش اين بس كه مي‏گويد: «باش‏»؛ پس [بي‏درنگ‏] موجود مي‏شود.**

**[بروج۱5] ذُو الْعَرْشِ الْمَجیدُ**

**[بروج۱۶] فَعّالٌ لِما یُریدُ**

**کساني که حکم از جانب خدا دارند، مانند موسي(ع)، يوسف(ع) و بسياري ديگر از پيغمبران، توان برپا کردن امر در زمین عرش را دارا هستند. يعني قادرند جنبه عرشي امر را ايجاد کنند و به آن امر که جنبه غيبي‏اش تا آن زمان آماده شده، به إذن الله لباس عرشي بپوشانند. به عبارتی امر را مقيد به حکم کنند. کساني که چنين تواني دارند حاکم نامیده مي‏شوند.**

**2ـ قضاء امور [۱۸ آیه]**

**[بقره117] ص18 ـ بَديعُ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضِ وَ إِذا قَضي أَمْرًا فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ کُنْ فَيَکُونُ**

**[زيرا او] پديد آورنده آسمانها و زمين [از ملكوت است‏]، و چون قصد قضاء امري را فرمايد، فقط مي‏گويد: «[موجود] باش‏»؛ پس [فوراً موجود] مي‏شود.**

**[آل‌عمران47] ص56 ـ قالَتْ رَبِّ أَنّي يَکُونُ لي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمْسَسْني بَشَرٌ قالَ کَذلِکِ اللّهُ يَخْلُقُ ما يَشاءُ إِذا قَضي أَمْرًا فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ کُنْ فَيَکُونُ**

**[مريم‏] گفت‏: «پروردگارا، چگونه مرا فرزندي خواهد بود با آنكه بشري به من دست نزده است‏؟» گفت‏: «چنين است [كار] پروردگار.» خدا هر چه بخواهد مي‏آفريند؛ چون به كاري فرمان دهد، فقط به آن مي‏گويد: «باش‏»؛ پس مي‏باشد.**

**[غافر68] ص475 ـ هُوَ الَّذي يُحْيي وَ يُميتُ فَإِذا قَضي أَمْرًا فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ کُنْ فَيَکُونُ**

**او همان كسي است كه زنده مي‏كند و مي‏ميراند، و چون به كاري حكم كند، همين قدر به آن مي‏گويد: «باش‏.» بي‏درنگ موجود مي‏شود.**

**با قضاء کلیات امر مشخص میشود**

**[يوسف41] ص240 ـ يا صاحِبَيِ السِّجْنِ أَمّا أَحَدُکُما فَيَسْقي رَبَّهُ خَمْرًا وَ أَمَّا اْلآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْکُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ اْلأَمْرُ الَّذي فيهِ تَسْتَفْتِيانِ**

**اي دو رفيق زندانيم‏، اما يكي از شما به آقاي خود باده مي‏نوشاند، و اما ديگري به دار آويخته مي‏شود و پرندگان از [مغز] سرش مي‏خورند. قضاء امري كه شما دو تن از من جويا شديد حكمش صادر شد‏.**

**يوسف ع در مقام تعبير [يا تأويل] خواب دو زنداني، كليّتِ [قضاء] ماجراي آنها را مشخص كرد [نه تقدير و جزئيات امور آيندة آنها را].**

**[إسراء۴] ص۲۸۲ - وَ قَضَیْنا إِلى‏ بَنی‏ إِسْرائیلَ فِی الْکِتابِ لَتُفْسِدُنَّ فِی الْأَرْضِ مَرَّتَیْنِ وَ لَتَعْلُنَّ عُلُوًّا کَبیراً**

**و در کتاب آسمانى‌[شان‌] به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که: «قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و قطعاً به سرکشىِ بسیار بزرگى برخواهید خاست**

**[بقره117] ص18 ـ بَديعُ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضِ وَ إِذا قَضي أَمْرًا فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ کُنْ فَيَکُونُ**

**[زيرا او] پديد آورنده آسمانها و زمين [از ملكوت است‏]، و چون قصد قضاء امري را فرمايد، فقط مي‏گويد: «[موجود] باش‏»؛ پس [فوراً موجود] مي‏شود.**

**[آل‌عمران47] ص56 ـ قالَتْ رَبِّ أَنّي يَکُونُ لي وَلَدٌ وَ لَمْ يَمْسَسْني بَشَرٌ قالَ کَذلِکِ اللّهُ يَخْلُقُ ما يَشاءُ إِذا قَضي أَمْرًا فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ کُنْ فَيَکُونُ**

**[مريم‏] گفت‏: «پروردگارا، چگونه مرا فرزندي خواهد بود با آنكه بشري به من دست نزده است‏؟» گفت‏: «چنين است [كار] پروردگار.» خدا هر چه بخواهد مي‏آفريند؛ چون به كاري فرمان دهد، فقط به آن مي‏گويد: «باش‏»؛ پس مي‏باشد.**

**ـ 15====================**

**[انفال42] ص182 ـ إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيا وَ هُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوي وَ الرَّکْبُ أَسْفَلَ مِنْکُمْ وَ لَوْ تَواعَدْتُمْ لاَخْتَلَفْتُمْ فِي الْميعادِ وَ لکِنْ لِيَقْضِيَ اللّهُ أَمْرًا کانَ مَفْعُولاً لِيَهْلِکَ مَنْ هَلَکَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيي مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ إِنَّ اللّهَ لَسَميعٌ عَليمٌ**

**آنگاه كه شما بر دامنه نزديكتر [كوه‏] بوديد و آنان در دامنه دورتر [كوه ]، و سواران [دشمن‏] پايين‏تر از شما [موضع گرفته‏] بودند، و اگر با يكديگر وعده گذارده بوديد، قطعاً در وعده‏گاه خود اختلاف مي‏كرديد، ولي [چنين شد] تا خداوند امري را كه قضاء كرده بود به انجام رساند [و آن قضاءِ امر مبني بر اين بود كه] تا كسي كه [بايد] هلاك شود، با دليلي روشن هلاك گردد، و كسي كه [بايد] زنده شود، با دليلي واضح زنده بماند، و خداست كه در حقيقت شنواي داناست‏.**

**مفهوم «لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ» يك مصداق قرآني براي قضاء است. بدين توضيح كه؛ مطلب روشن شده است اما هنوز تقدير نشده است يعني زمان شروع، پايان، نفراتي كه بايد شامل آن شوند، و ..... معلوم نشده است.**

**قضاء از جنس ملكوت است [زيرا تقدير كه مرحلة بعد از قضاء مي‌باشد در آسمان‌ها واقع مي‌شود]**

**[غافر68] ص475 ـ هُوَ الَّذي يُحْيي وَ يُميتُ فَإِذا قَضي أَمْرًا فَإِنَّما يَقُولُ لَهُ کُنْ فَيَکُونُ**

**او همان كسي است كه زنده مي‏كند و مي‏ميراند، و چون به كاري حكم كند، همين قدر به آن مي‏گويد: «باش‏.» بي‏درنگ موجود مي‏شود.**

**[یس۸۲] ص۴۴۵ - إِنَّما أَمْرُهُ إِذا أَرادَ شَیْئاً أَنْ یَقُولَ لَهُ کُنْ فَیَکُونُ**

**چون به چیزى اراده فرماید، کارش این بس که مى‌گوید: «باش»؛ پس [بى‌درنگ‌] موجود مى‌شود.**

**در بالاتر اشاره کردیم که اراده از جنس عرش است.**

**طبق آیات متعدد از جمله آیه غافر 68 وقتی امری قضی می شود خداوند به آن می گوید: کن**

**پس در آیه یس 82 اراده که به عرش بر می گردد، فیکون هم که به ماجراهای بعد از قضاء بر می گردد. فقط می ماند کن که در فهوای آن به استناد آیات دیگر قضی وجود دارد. لذا در آیه یس 83 ملکوت تنها می تواند به قضی برگردد. لذا قضی ملکوتی است**

**[یس۸۳] ص۴۴۵ - فَسُبْحانَ الَّذی بِیَدِهِ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیْ‏ءٍ وَ إِلَیْهِ تُرْجَعُونَ**

**پس [شکوهمند و] پاک است آن کسى که ملکوت هر چیزى در دست اوست، و به سوى اوست که بازگردانیده مى‌شوید**

***از سوی دیگر در آیات، قضاء، به معناي «مرحله قبل از تقدير» است. و چون تقدیر در آسمان ها صورت می گیرد لذا قضی باید مربوط به ملکوت باشد.***

**[انفال44] ص182 ـ وَ إِذْ يُريکُمُوهُمْ إِذِ الْتَقَيْتُمْ في أَعْيُنِکُمْ قَليلاً وَ يُقَلِّلُکُمْ في أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللّهُ أَمْرًا کانَ مَفْعُولاً وَ إِلَي اللّهِ تُرْجَعُ اْلأُمُورُ**

**و آنگاه كه چون با هم برخورد كرديد، آنان را در ديدگان شما اندك جلوه داد و شما را [نيز] در ديدگان آنان كم نمودار ساخت تا خداوند امري را كه قضاء كرده بود به انجام رساند، و كارها به سوي خدا بازگردانده مي‏شود.**

**براي اينكه خداوند آن امر قضاء‌شده [«لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يَحْيى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ»** ⭠**انفال42] را به خوبي در اعماق اِعمال نمايد [=کانَ مَفْعُولاً]، سپاه دشمن را [در خواب] به رسول‌الله ص اندك نشان داد و همچنين در بيداري نيز در هنگام روياوريي، دشمنان را در ديدگان مسلمانان اندك جلوه داد و مسلمانان را [نيز] در ديدگان دشمنان كم نمودار ساخت**

**خداوند متعال هر چيزي را كه بخواهد خلق كند، امر قضاء‌شدة آن را با «كُن فَيكون» [به سمت تقدير و اِعمال] ادامه مي‌دهد.**

**3ـ تقدير [در آسمان‌ها] [۵ آیه]**

**امور تقدیر دارد و توسط خداوند تقدیر می شوند**

**[أحزاب38] ص423 ـ ما کانَ عَلَي النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فيما فَرَضَ اللّهُ لَهُ سُنَّةَ اللّهِ فِي الَّذينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ کانَ أَمْرُ اللّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا**

**بر پيامبر در آنچه خدا براي او فرض گردانيده گناهي نيست‏. [اين‏] سنّت خداست كه از ديرباز در ميان گذشتگان [معمول‏] بوده‏، و امر خدا همواره به اندازه مقرر [و متناسب با توانايي‏] است‏.**

**[قمر12] ص529 ـ وَ فَجَّرْنَا اْلأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَي الْماءُ عَلي أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ**

**و از زمين چشمه‏ها جوشانيديم تا آب [زمين و آسمان‏] براي امري كه مقدّر شده بود به هم پيوستند.**

**[طلاق3] ص558 ـ وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَکَّلْ عَلَي اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللّهَ بالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّهُ لِکُلِّ شَيْ‏ءٍ قَدْرًا**

**و از جايي كه حسابش را نمي‏كند، به او روزي مي‏رساند، و هر كس بر خدا اعتماد كند او براي وي بس است‏. خدا فرمانش را به انجام‏رساننده است‏. به راستي خدا براي هر چيزي اندازه‏اي مقرر كرده است‏.**

**تقدیر در آسمان ها صورت می گیرد (در برزخ)**

**[فصلت12] ص478 ـ فَقَضاهُنَّ سَبْعَ سَماواتٍ في يَوْمَيْنِ وَ أَوْحي في کُلِّ سَماءٍ أَمْرَها وَ زَيَّنَّا السَّماءَ الدُّنْيا بِمَصابيحَ وَ حِفْظًا ذلِکَ تَقْديرُ الْعَزيزِ الْعَليمِ**

**پس آنها را [به صورت‏] هفت آسمان‏، در دو هنگام مقرّر داشت و در هر آسماني كار [مربوط به‏] آن را وحي فرمود، و آسمان [اين‏] دنيا را به چراغها آذين كرديم و [آن را نيك‏] نگاه داشتيم‏؛ اين است اندازه‏گيري آن نيرومند دانا.**

**[قدر۱] ص۵۹۸ - إِنَّا أَنْزَلْناهُ فی‏ لَیْلَةِ الْقَدْرِ**

**ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم.**

**[قدر۲] ص۵۹۸ - وَ ما أَدْراکَ ما لَیْلَةُ الْقَدْرِ**

**و از شب قدر، چه آگاهت کرد.**

**[قدر۳] ص۵۹۸ - لَیْلَةُ الْقَدْرِ خَیْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ**

**شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است.**

**[قدر۴] ص۵۹۸ - تَنَزَّلُ الْمَلائِکَةُ وَ الرُّوحُ فیها بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ کُلِّ أَمْرٍ**

**در آن [شب‌] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، براى هر کارى [که مقرّر شده است‌] فرود آیند؛**

**تقدير امور در «ليلةُ القدر»**

**[دخان2] ص496 ـ وَ الْكِتابِ الْمُبينِ**

**سوگند به كتاب روشنگر،**

**[دخان3] ص496 ـ إِنّا أَنْزَلْناهُ في لَيْلَةٍ مُبارَكَةٍ إِنّا كُنّا مُنْذِرينَ**

**[كه‏] ما آن را در شبي فرخنده نازل كرديم‏، [زيرا] كه ما هشداردهنده بوديم‏.**

**[دخان4] ص496 ـ فيها يُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکيمٍ**

**در آن [شب‏] هر [گونه‏] كاري [به نحوي‏] استوار فيصله مي‏يابد.**

**[دخان5] ص496 ـ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنا إِنّا کُنّا مُرْسِلينَ**

**[اين‏] كاري است [كه‏] از جانب ما [صورت مي‏گيرد]. ما فرستنده [پيامبران‏] بوديم‏.**

**ـ 193====================**

**خداوند خلق را بوسيله «امر» اداره مي‌كند**

**[اعراف54] ص157 ـ إِنَّ رَبَّکُمُ اللّهُ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضَ في سِتَّةِ أَيّامٍ ثُمَّ اسْتَوي عَلَي الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهارَ يَطْلُبُهُ حَثيثًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّراتٍ بِأَمْرِهِ أَلا لَهُ الْخَلْقُ وَ اْلأَمْرُ تَبارَکَ اللّهُ رَبُّ الْعالَمينَ**

**در حقيقت‏، پروردگار شما آن خدايي است كه آسمانها و زمين را در شش روز آفريد؛ سپس بر عرش [جهانداري‏] استيلا يافت‏. روز را به شب \_ كه شتابان آن را مي طلبد \_ مي‏پوشاند، و [نيز] خورشيد و ماه و ستارگان را كه به فرمان او رام شده‏اند [پديد آورد]. آگاه باش كه [عالم‏] خلق و امر از آن اوست‏. فرخنده خدايي است پروردگار جهانيان‏.**

**ـ 47====================**

**[روم25] ص407 ـ وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّماءُ وَ اْلأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذا دَعاکُمْ دَعْوَةً مِنَ اْلأَرْضِ إِذا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ**

**و از نشانه‏هاي او اين است كه آسمان و زمين به فرمانش برپايند؛ پس چون شما را با يك بار خواندن فرا خوانَد، بناگاه [از گورها] خارج مي‏شويد.**

**ـ 162====================**

**[جاثيه12] ص499 ـ اللّهُ الَّذي سَخَّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْکُ فيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ**

**خدا همان كسي است كه دريا را به سود شما رام گردانيد، تا كشتيها در آن به فرمانش روان شوند، و تا از فزون بخشي او [روزي خويش را] طلب نماييد، و باشد كه سپاس داريد.**

**ـ 194====================**

**[احقاف24] ص505 ـ فَلَمّا رَأَوْهُ عارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قالُوا هذا عارِضٌ مُمْطِرُنا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ ريحٌ فيها عَذابٌ أَليمٌ**

**پس چون آن [عذاب‏] را [به صورت‏] ابري روي‏آورنده به سوي واديهاي خود ديدند، گفتند: «اين ابري است كه بارش‏دهنده ماست‏.» [هود گفت‏: «نه‏،] بلكه همان چيزي است كه به شتاب خواستارش بوديد: بادي است كه در آن عذابي پر درد [نهفته‏] است‏.**

**[احقاف25] ص505 ـ تُدَمِّرُ کُلَّ شَيْ‏ءٍ بِأَمْرِ رَبِّها فَأَصْبَحُوا لا يُري إِلاّ مَساکِنُهُمْ کَذلِکَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمينَ**

**همه چيز را به دستور پروردگارش بنيان‏كن مي‏كند.» پس چنان شدند كه جز سراهايشان ديده نمي‏شد. اين چنين گروه بدكاران را سزا مي‏دهيم‏.**

**ـ 197====================**

**[قمر12] ص529 ـ وَ فَجَّرْنَا اْلأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَي الْماءُ عَلي أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ**

**و از زمين چشمه‏ها جوشانيديم تا آب [زمين و آسمان‏] براي امري كه مقدّر شده بود به هم پيوستند.**

**ـ 207====================**

**خداوند بوسيله «امر» اشياء را مسخر انسان كرده است**

**[ابراهيم32] ص259 ـ اللّهُ الَّذي خَلَقَ السَّماواتِ وَ اْلأَرْضَ وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَراتِ رِزْقًا لَکُمْ وَ سَخَّرَ لَکُمُ الْفُلْکَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ سَخَّرَ لَکُمُ اْلأَنْهارَ**

**خداست كه آسمانها و زمين را آفريد، و از آسمان آبي فرستاد، و به وسيله آن از ميوه‏ها براي شما روزي بيرون آورد، و كشتي را براي شما رام گردانيد تا بوسيلة امر او در دريا روان شود، و رودها را براي شما مسخّر كرد.**

**ـ 103====================**

**[نحل12] ص268 ـ وَ سَخَّرَ لَکُمُ اللَّيْلَ وَ النَّهارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومُ مُسَخَّراتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ في ذلِکَ لآياتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ**

**و شب و روز و خورشيد و ماه را براي شما رام گردانيد، و ستارگان بوسيلة امر او مسخر شده‏اند. مسلماً در اين [امور] براي مردمي كه تعقل مي‏كنند نشانه‏هاست‏.**

**ـ 109====================**

**[حجّ65] ص340 ـ أَ لَمْ تَرَ أَنَّ اللّهَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِي اْلأَرْضِ وَ الْفُلْکَ تَجْري فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَ يُمْسِکُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَي اْلأَرْضِ إِلاّ بِإِذْنِهِ إِنَّ اللّهَ بِالنّاسِ لَرَؤُفٌ رَحيمٌ**

**آيا نديده‏اي كه خدا آنچه را در زمين است به نفع شما رام گردانيد، و كشتيها در دريا به فرمان او روانند، و آسمان را نگاه مي‏دارد تا [مبادا] بر زمين فرو افتد، مگر به اذن خودش [باشد]. در حقيقت‏، خداوند نسبت به مردم سخت رئوف و مهربان است‏.**

**ـ 144====================**

**[روم46] ص409 ـ وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّياحَ مُبَشِّراتٍ وَ لِيُذيقَکُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ لِتَجْرِيَ الْفُلْکُ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ**

**و از نشانه‏هاي او اين است كه بادهاي بشارت‏آور را مي‏فرستد، تا بخشي از رحمتش را به شما بچشاند و تا كشتي به فرمانش روان گردد، و تا از فضل او [روزي‏] بجوييد، و اميد كه سپاسگزاري كنيد.**

**ـ 163====================**

**4ـ آمدن امور به دنیا**

**۱) تنزیل امور [۲ آیه]**

**[طلاق5] ص558 ـ ذلِکَ أَمْرُ اللّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْکُمْ وَ مَنْ يَتَّقِ اللّهَ يُکَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئاتِهِ وَ يُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا**

**اين است فرمان خدا كه آن را به سوي شما فرستاده است‏؛ و هر كس از خدا پروا كند، بديهايش را از او بزدايد و پاداشش را بزرگ گرداند.**

**ـ 215====================**

**[طلاق12] ص559 ـ اللّهُ الَّذي خَلَقَ سَبْعَ سَماواتٍ وَ مِنَ اْلأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ اْلأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ عَلي کُلِّ شَيْ‏ءٍ قَديرٌ وَ أَنَّ اللّهَ قَدْ أَحاطَ بِکُلِّ شَيْ‏ءٍ عِلْمًا**

**خدا همان كسي است كه هفت آسمان و همانند آنها هفت زمين آفريد. امر [خدا] در ميان آنها فرود مي‏آيد، تا بدانيد كه خدا بر هر چيزي تواناست‏، و به راستي دانش وي هر چيزي را در بر گرفته است‏.**

**ـ 218====================**

**۲) جاءَ الامر [۱۲ آیه]**

**[نساء83] ص91 ـ وَ إِذا جاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ اْلأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَي الرَّسُولِ وَ إِلي أُولِي اْلأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لا فَضْلُ اللّهِ عَلَيْکُمْ وَ رَحْمَتُهُ لاَتَّبَعْتُمُ الشَّيْطانَ إِلاّ قَليلاً**

**و چون خبري [حاكي‏] از ايمني يا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند؛ و اگر آن را به پيامبر و اولياي امر خود ارجاع كنند، قطعاً از ميان آنان كساني‏اند كه [مي‏توانند درست و نادرست‏] آن را دريابند، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً جز [شمار] اندكي‏، از شيطان پيروي مي‏كرديد.**

**ـ 32====================**

**[توبه48] ص195 ـ لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَکَ اْلأُمُورَ حَتّي جاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللّهِ وَ هُمْ کارِهُونَ**

**در حقيقت‏، پيش از اين [نيز] در صدد فتنه‏جويي برآمدند و كارها را بر تو وارونه ساختند، تا حقّ آمد و امر خدا آشكار شد، در حالي كه آنان ناخشنود بودند.**

**ـ 59====================**

**[هود40] ص226 ـ حَتّي إِذا جاءَ أَمْرُنا وَ فارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فيها مِنْ کُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ أَهْلَکَ إِلاّ مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَ مَنْ آمَنَ وَ ما آمَنَ مَعَهُ إِلاّ قَليلٌ**

**تا آنگاه كه امر مد نظر ما واقع شد و تنور فوران كرد، فرموديم‏: «در آن [كشتي‏] از هر حيواني يك جفت‏، با كسانت ـ مگر كسي كه قبلا در باره او سخن رفته است‏ ـ و كساني كه ايمان آورده‏اند، حمل كن‏.» و با او جز [عدّه‏] اندكي ايمان نياورده بودند!**

**ـ 71====================**

**[هود58] ص228 ـ وَ لَمّا جاءَ أَمْرُنا نَجَّيْنا هُودًا وَ الَّذينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنّا وَ نَجَّيْناهُمْ مِنْ عَذابٍ غَليظٍ**

**و چون فرمان ما دررسيد، هود و كساني را كه با او گرويده بودند، به رحمتي از جانب خود نجات بخشيديم و آنان را از عذابي سخت رهانيديم‏.**

**ـ 74====================**

**[هود66] ص229 ـ فَلَمّا جاءَ أَمْرُنا نَجَّيْنا صالِحًا وَ الَّذينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنّا وَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّکَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزيزُ**

**پس چون فرمان ما در رسيد، صالح و كساني را كه با او ايمان آورده بودند، به رحمت خود رهانيديم و از رسوايي آن روز [نجات داديم‏]. به يقين‏، پروردگار تو همان نيرومند شكست‏ناپذير است‏.**

**ـ 76====================**

**[هود76] ص230 ـ يا إِبْراهيمُ أَعْرِضْ عَنْ هذا إِنَّهُ قَدْ جاءَ أَمْرُ رَبِّکَ وَ إِنَّهُمْ آتيهِمْ عَذابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ**

**اي ابراهيم‏! از اين [چون و چرا] روي برتاب‏، كه فرمان پروردگارت آمده و براي آنان عذابي كه بي‏بازگشت است خواهد آمد.**

**ـ 78====================**

**[هود82] ص231 ـ فَلَمّا جاءَ أَمْرُنا جَعَلْنا عالِيَها سافِلَها وَ أَمْطَرْنا عَلَيْها حِجارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ**

**پس چون فرمان ما آمد، آن [شهر] را زير و زبر كرديم و سنگ‏پاره‏هايي از [نوع‏] سنگ گلهاي لايه لايه‏، بر آن فرو ريختيم‏.**

**ـ 79====================**

**[هود94] ص232 ـ وَ لَمّا جاءَ أَمْرُنا نَجَّيْنا شُعَيْبًا وَ الَّذينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنّا وَ أَخَذَتِ الَّذينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا في دِيارِهِمْ جاثِمينَ**

**و چون فرمان ما آمد، شعيب و كساني را كه با او ايمان آورده بودند، به رحمتي از جانب خويش نجات داديم‏، و كساني را كه ستم كرده بودند، فرياد [مرگبار] فرو گرفت‏، و در خانه‏هايشان از پا درآمدند.**

**ـ 81====================**

**[هود101] ص233 ـ وَ ما ظَلَمْناهُمْ وَ لکِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَما أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ مِنْ شَيْ‏ءٍ لَمّا جاءَ أَمْرُ رَبِّکَ وَ ما زادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبيبٍ**

**و ما به آنان ستم نكرديم‏، ولي آنان به خودشان ستم كردند. پس چون فرمان پروردگارت آمد، خداياني كه به جاي خدا[ي حقيقي‏] مي‏خواندند هيچ به كارشان نيامد، و جز بر هلاكت آنان نيفزود.**

**ـ 83====================**

**[مؤمنون27] ص343 ـ فَأَوْحَيْنا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْکَ بِأَعْيُنِنا وَ وَحْيِنا فَإِذا جاءَ أَمْرُنا وَ فارَ التَّنُّورُ فَاسْلُکْ فيها مِنْ کُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَ أَهْلَکَ إِلاّ مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَ لا تُخاطِبْني فِي الَّذينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ**

**پس به او وحي كرديم كه‏: زير نظر ما و [به‏] وحي ما كشتي را بساز، و چون فرمان ما دررسيد و تنور به فوران آمد، پس در آن از هر نوع [حيواني‏] دو تا [يكي نر و ديگري ماده‏] با خانواده‏ات \_ بجز كسي از آنان كه حكم [عذاب ] بر او پيشي گرفته است‏ \_ وارد كن‏، در باره كساني كه ظلم كرده‏اند با من سخن مگوي‏، زيرا آنها غرق خواهند شد.**

**ـ 146====================**

**[غافر78] ص476 ـ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلاً مِنْ قَبْلِکَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنا عَلَيْکَ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْکَ وَ ما کانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلاّ بِإِذْنِ اللّهِ فَإِذا جاءَ أَمْرُ اللّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْمُبْطِلُونَ**

**و مسلّماً پيش از تو فرستادگاني را روانه كرديم‏. برخي از آنان را [ماجرايشان را] بر تو حكايت كرده‏ايم و برخي از ايشان را بر تو حكايت نكرده‏ايم‏، و هيچ رسولي را نرسد كه بي‌اذن خداوند معجزه‌اي [اشياء يا اعمالي از جنس عوالم يا نشئات بعد] بياورد. اما وقتي كه اَمرُ الله [ظهور] واقع شود، به حق داوري مي‏شود، و آنجاست كه باطل‏كاران زيان مي‏كنند.**

**ـ 182====================**

**[حديد14] ص539 ـ يُنادُونَهُمْ أَ لَمْ نَکُنْ مَعَکُمْ قالُوا بَلي وَ لکِنَّکُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَکُمْ وَ تَرَبَّصْتُمْ وَ ارْتَبْتُمْ وَ غَرَّتْکُمُ اْلأَمانِيُّ حَتّي جاءَ أَمْرُ اللّهِ وَ غَرَّکُمْ بِاللّهِ الْغَرُورُ**

**[دو رويان‏،] آنان را ندا درمي‏دهند: «آيا ما با شما نبوديم‏؟» مي‏گويند: «چرا، ولي شما خودتان را در بلا افكنديد و امروز و فردا كرديد و ترديد آورديد و آرزوها شما را غرّه كرد تا فرمان خدا آمد و [شيطان‏] مغروركننده‏، شما را در باره خدا بفريفت‏.**

**ـ 208====================**

**۳) اَتاء [= وقوعِ] امور [در دنیا] [۸ آیه]**

**[بقره109] ص17 ـ وَدَّ کَثيرٌ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَوْ يَرُدُّونَکُمْ مِنْ بَعْدِ إيمانِکُمْ کُفّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَ اصْفَحُوا حَتّي يَأْتِيَ اللّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللّهَ عَلي کُلِّ شَيْ‏ءٍ قَديرٌ**

**بسياري از اهل كتاب \_ پس از اينكه حق [صحت و قيمت رسول‌الله ص و كلام و رفتار ايشان، عظمت آيات قرآن و ....] برايشان آشكار شد \_ از روي حسدي كه در وجودشان بود، آرزو مي‏كردند كه شما را، بعد از ايمانتان‏، كافر گردانند. پس عفو كنيد و درگذريد، تا خدا فرمان خويش را بياورد، كه خدا بر هر كاري تواناست.**

**ـ 7====================**

**[توبه24] ص190 ـ قُلْ إِنْ کانَ آباؤُکُمْ وَ أَبْناؤُکُمْ وَ إِخْوانُکُمْ وَ أَزْواجُکُمْ وَ عَشيرَتُکُمْ وَ أَمْوالٌ اقْتَرَفْتُمُوها وَ تِجارَةٌ تَخْشَوْنَ کَسادَها وَ مَساکِنُ تَرْضَوْنَها أَحَبَّ إِلَيْکُمْ مِنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ في سَبيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتّي يَأْتِيَ اللّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفاسِقينَ**

**بگو: «اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالي كه گرد آورده‏ايد و تجارتي كه از كسادش بيمناكيد و سراهايي را كه خوش مي‏داريد، نزد شما از خدا و پيامبرش و جهاد در راه وي دوست‏داشتني‏تر است‏، پس منتظر باشيد تا خدا فرمانش را [به اجرا در]آورد.» و خداوند گروه فاسقان را راهنمايي نمي‏كند.**

**ـ 57====================**

**[يونس24] ص211 ـ إِنَّما مَثَلُ الْحَياةِ الدُّنْيا کَماءٍ أَنْزَلْناهُ مِنَ السَّماءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَباتُ اْلأَرْضِ مِمّا يَأْکُلُ النّاسُ وَ اْلأَنْعامُ حَتّي إِذا أَخَذَتِ اْلأَرْضُ زُخْرُفَها وَ ازَّيَّنَتْ وَ ظَنَّ أَهْلُها أَنَّهُمْ قادِرُونَ عَلَيْها أَتاها أَمْرُنا لَيْلاً أَوْ نَهارًا فَجَعَلْناها حَصيدًا کَأَنْ لَمْ تَغْنَ بِاْلأَمْسِ کَذلِکَ نُفَصِّلُ اْلآياتِ لِقَوْمٍ يَتَفَکَّرُونَ**

**در حقيقت‏، مَثَل زندگي دنيا بسان آبي است كه آن را از آسمان فرو ريختيم‏، پس گياه زمين \_ از آنچه مردم و دامها مي‏خورند \_ با آن درآميخت‏، تا آنگاه كه زمين پيرايه خود را برگرفت و آراسته گرديد و اهل آن پنداشتند كه آنان بر آن قدرت دارند، شبي يا روزي فرمان [ويراني‏] ما آمد و آن را چنان دِرَويده كرديم كه گويي ديروز وجود نداشته است‏. اين گونه نشانه‏ها[ي خود] را براي مردمي كه انديشه مي‏كنند به روشني بيان مي‏كنيم‏.**

**ـ 66====================**

**[رعد31] ص253 ـ وَ لَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ اْلأَرْضُ أَوْ کُلِّمَ بِهِ الْمَوْتي بَلْ لِلّهِ اْلأَمْرُ جَميعًا أَ فَلَمْ يَيْأَسِ الَّذينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشاءُ اللّهُ لَهَدَي النّاسَ جَميعًا وَ لا يَزالُ الَّذينَ کَفَرُوا تُصيبُهُمْ بِما صَنَعُوا قارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَريبًا مِنْ دارِهِمْ حَتّي يَأْتِيَ وَعْدُ اللّهِ إِنَّ اللّهَ لا يُخْلِفُ الْميعادَ**

**و اگر قرآني بود كه كوهها بدان روان مي‏شد، يا زمين بدان قطعه قطعه مي‏گرديد، يا مردگان بدان به سخن درمي‏آمدند [باز هم در آنان اثر نمي‏كرد.] نه چنين است‏، بلكه همه امور بستگي به خدا دارد. آيا كساني كه ايمان آورده‏اند، ندانسته‏اند كه اگر خدا مي‏خواست قطعاً تمام مردم را به راه مي‏آورد؟ و كساني كه كافر شده‏اند پيوسته به [سزاي‏] آنچه كرده‏اند مصيبت كوبنده‏اي به آنان مي‏رسد يا نزديك خانه‏هايشان فرود مي‏آيد، تا وعده خدا فرا رسد. آري‏، خدا وعده [خود را] خلاف نمي‏كند.**

**ـ 100====================**

**[نحل1] ص267 ـ أَتي أَمْرُ اللّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحانَهُ وَ تَعالي عَمّا يُشْرِکُونَ**

**به نام خداوند رحمتگر مهربان [هان‏] امر خدا دررسيد، پس در آن شتاب مكنيد. او منزّه و فراتر است از آنچه [با وي‏] شريك مي‏سازند.**

**ـ 107====================**

**[نحل33] ص270 ـ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلاّ أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلائِکَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّکَ کَذلِکَ فَعَلَ الَّذينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ ما ظَلَمَهُمُ اللّهُ وَ لکِنْ کانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ**

**آيا [كافران‏] جز اين كه فرشتگانِ [جان‏ستان‏] به سويشان آيند، يا فرمان پروردگارت [داير بر عذابشان‏] دررسد، انتظاري مي‏برند؟ كساني كه پيش از آنان بودند [نيز] اين گونه رفتار كردند، و خدا به ايشان ستم نكرد، بلكه آنان به خود ستم مي‏كردند.**

**ـ 110====================**

**[جاثيه17] ص500 ـ وَ آتَيْناهُمْ بَيِّناتٍ مِنَ اْلأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلاّ مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّکَ يَقْضي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ فيما کانُوا فيهِ يَخْتَلِفُونَ**

**و دلايل روشني در امر [دين‏] به آنان عطا كرديم‏، و جز بعد از آنكه علم برايشان [حاصل‏] آمد، [آن هم‏] از روي رشك و رقابت ميان خودشان‏، دستخوش اختلاف نشدند. قطعاً پروردگارت روز قيامت ميانشان در باره آنچه در آن اختلاف مي‏كردند، داوري خواهد كرد.**

**ـ 193====================**

**۴) ظاهر شدن امر [۱ آیه]**

**[توبه48] ص195 ـ لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَ قَلَّبُوا لَکَ اْلأُمُورَ حَتّي جاءَ الْحَقُّ وَ ظَهَرَ أَمْرُ اللّهِ وَ هُمْ کارِهُونَ**

**در حقيقت‏، پيش از اين [نيز] در صدد فتنه‏جويي برآمدند و كارها را بر تو وارونه ساختند، تا حقّ آمد و امر خدا آشكار شد، در حالي كه آنان ناخشنود بودند.**

**ـ 59====================**

###### **تدبیر در امور در قرآن چگونه است؟**

**هم از بالا به پایین**

**هم از گذشته به سمت آینده**

**هم درجاتی**

##### **تدبر**

1. **[النساء82 ] ص91 - أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللّهِ لَوَجَدُوا فيهِ اخْتِلافًا کَثيرًا آيا در [معاني‏] قرآن نمي‏انديشند؟ اگر از جانب غير خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسياري مي‏يافتند.**
2. **[المؤمنون68 ] ص346 - أَ فَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جاءَهُمْ ما لَمْ يَأْتِ آباءَهُمُ اْلأَوَّلينَ آيا در [عظمت‏] اين سخن نينديشيده‏اند، يا چيزي براي آنان آمده که براي پدران پيشين آنها نيامده است‏؟ منظور از قول خود قرآن است**
3. **[ص29 ] ص455 - کِتابٌ أَنْزَلْناهُ إِلَيْکَ مُبارَکٌ لِيَدَّبَّرُوا آياتِهِ وَ لِيَتَذَکَّرَ أُولُوا اْلأَلْبابِ [اين‏] کتابي مبارک است که آن را به سوي تو نازل کرده‏ايم تا در [باره‏] آيات آن بينديشند، و خردمندان پند گيرند.**
4. **[محمد24 ] ص509 - أَ فَلا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلي قُلُوبٍ أَقْفالُها آيا به آيات قرآن نمي‏انديشند؟ يا [مگر] بر دلهايشان قفلهايي نهاده شده است‏؟**

###### **مفهوم تدبر در قرآن**

**چنانچه از 4 آیه تدبر بر می آید، تدبر فقط در قبال خود قرآن مطرح شده و از همه خواسته شده که در قرآن و آیات آن تدبر کنند**

**تدبر بر وزن تفعل و در باب تفعل است. و مفهوم آن حصول و فهم تدبیر است. با عنایت به اینکه تدبیر یعنی دبر چینی و چینش بر اساس حق، پس تدبر یعنی فهم و حصول و پذیرش این چینش های بر حق خداوند. یعنی با اشتیاق به سمت فهم چینش های خداوند در هر امر از امور مختلف برویم و آن را کاملا دریافت کنیم**

**گفتیم که تدبیر امور توسط خداوند و در محدوده آسمان ها و زمین انجام می شود**

**اما اگر ما بخواهیم تدبر کنیم یعنی تدبیر خداوند در امور عالم را پیدا کنیم (دبر چینی خداوند در هر امر را کشف کنیم و بفهمیم) از آنجایی که به آسمان ها و عوالم بالاتر راه نداریم و در عرش و ملکوت نمی توانیم به این راحتی رد امور را دنبال کنیم، لذا خداوند دعوت کرده است که بیایید در قرآن تدبر کنید چون تمام امور در قرآن آمده است. در قرآن تدبر کنید تا چینش درون امور و نظام امور را متوجه شوید.**

**تدبّر با ابزار قلب انجام می شود، آن هم قلبی که بر آن قفل نهاده نشده باشد. یا اینکه اقدام به تدبر (صرف نظر از ابزار آن) توسط فردی انجام می شود که بر قلبش قفل نباشد.**

 **([محمّد۲۴] ص۵۰۹ ـ أَ فَلا یَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلى قُلُوبٍ أَقْفالُها) آیا به آیات قرآن نمی‏اندیشند؟ یا [مگر] بر دلهایشان قفلهایی نهاده شده است‏؟**

**المیزان: چون تعبیر «انزلنا» (در مقابل «نزّلنا») دلالت بر نزول دفعی (در مقابل «تدریجی») دارد، پس اقتضای تدبر و تذكر این است كه قرآن كريم به طور مجموع اعتبار شود، نه جدا جدا (المیزان۱۷/۱۹۷) (ترجمه المیزان۱۷/۳۰۰)**

**همه باید در آیاتش تدبر کنند؛ اما فقط از «اولوالالباب» (صاحبان عقل ناب) انتظار می‌رود که متذکر ‌شوند [«لیدبروا» فاعلش همگان است؛ اما «لیتذکر» فاعلش «اولی الالباب» است]؛**

###### **معنای تدبردر کتاب التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج‏3، ص:**

**و أمّا التَّدَبُّرُ: فهو تفعّل لمطاوعة التفعيل،**

**فحقيقة معناه: حصول مفهوم التَّدْبِيرِ و تحقّقه و اختيار ذلك المفهوم**

**معنای لغوی تدبر: تدبر بر وزن تفعل است که دلالت بر مطاوعه (پذیرش و قبول) می‌کند؛ یعنی حصول آن تدبیر [برای ما]؛ که به زبان ساده می‌توان گفت پی بردن و فهمیدن تدبیری که در آن نهفته است.**

### **عقل و مفهوم آن**

### **تفکر و مفهوم آن**

### **تفقه**

### **تذکر و مفهوم آن**

## **منابع**

### **قرآن**

### **کتاب التحقيق في كلمات القرآن الكريم**

### **تفسیر المیزان (المیزان۱۷/۱۹۷) (ترجمه المیزان۱۷/۳۰۰)**